

یک‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۰ • ۲۷ محرم الحرام ۱۴۴۳ • ۵ سپتامبر ۲۰۲۱

خبر کوتاه

قوتیرین مرد ایران روی ویلچر هم توقف ناپذیر است

طلای باورنکردنی مردی که هواپیما را تکان می‌داد

پرتابگر ایرانی اهل خرم آباد که در پارالمپیک ریو مدال نقره را به نام خود ثبت کرده بود، حالا و ۹ سال بعد از اتفاق تلخی که مسیر زندگی اش را عوض کرد، توانست بر سکوی قهرمانی پارالمپیک ۲۰۲۰ توکیو بایستد. حامد امیری در اواخر آذر ۱۳۹۱ در مسیر خرم‌آباد به بروجرد در بیرانشهر دچار سانحه تصادف و قطع نخاع شد تا از آن پس به جای قوتیرین مردان در پرتاب نیزه معلولین فعالیت کند.

امیری قبل از قطع نخاع شدن در مسابقه مردان ۴۸۰ کیلوگرم در پرتاب نیزه ۳۸ سالگی رکورد حمل چمدان و اسکت تعادلی جهان را هم شکست. او بعد از سانحه تصادف خیلی زود با اینکه نمی توانست دیگر راه برود، کنار آمد و با توجه به قدرت دست های خود وارد رشته های پرتابی شد. حالا حامد امیری در ۳۸ سالگی بیش از ۲۰ مدال جهانی و دو مدال پارالمپیک دارد، اما همچنان با انگیزه می خواهد به مسیر خود ادامه دهد.

اما دهمین طلای کاروان ایران در توکیو هم با سختی های فراوان برای این ورزشکار ایرانی به ثبت رسید. حامد امیری با مصدومیت شدیدی که داشت، تا آستانه خداحافظی هم پیش رفت، اما به شکل اعجاب انگیزی به میدان بازگشت و طلای شد.

حامد امیری در مصاحبه با خبرنگار «ورزش سه» ماجراهای عجیبی که در ماههای اخیر برای رخ داده را تشریح کرده است.

۲،۵ ماه قبل از ورزش خداحافظی کردم!

من مدال نقره پارالمپیک ریو را گرفته بودم و چندین طلای جهانی را در کارنامه داشتم و در این دوره به دنبال مدال طلای پارالمپیک بودم، اما اتفاقاتی در فاصله چند ماه مانده به مسابقات رخ داد که همه چیز را دگرگون کرد. من سه سال است که در اردو هستم و شاید ۶ ماه یک بار خانه می رفتم، متأسفانه در اردوی آخر در لاهیجان پشت بازویم دچار پارگی شد. آنقدر شرایط بد بود که مصاحبه کردم و گفتم دیگر نمی توانم ورزش کنم، این قضیه برای ۲،۵ ماه پیش است.

چند وقت بود وزنه هم دست نگرفته بودم
بعد از چند روز رییس فدراسیون جانبازان و معلولین، آقای اسبقیان با من صحبت کرد و گفت باید در پارالمپیک شرکت کنی و می دانم که طلا می گیری. او گفت من به گفته بادم و تو هم به خاطر مردم باید بروی و مسابقه بدهی. هر چقدر هم گفتم که آسیب دیدگی ام شدید است، قبول نکرد. باور کنید در این مدت فقط دنبال درمان بودم و حتی وزنه دست نگرفتم و بندسازی من فقط با یک کش بود، وقتی هم به توکیو رسیدیم، استارت لیست من خیلی بد آمد و نفر دومی بودم که در جدول پرداخت می کردم، رقبای قدر من باید بعد از من پرتاب می کردند. به همین خاطر من هم به چرم باید روز مسابقه و در همان پرتاب اول بگذارم.

گفتم پرتاب می کنم؛ حتی اگر بازویم بازمه پاره شود

خدا شاهد است، زمانی که روی صندلی نشستم، حرف های خدایی ها مثل زیربوس من مغز من می آمد و می رفت. مادرم هم به من گفته بود که من از تو فقط طلا می خواهم؛ در حالی که خودش چند روز از من پرستاری می کرد و می دید که لیوان آب هم نمی توانم دستم بگیرم. حتی پزشکان به من گفته بودند تا ۶ ماه نمی توانی پرتاب کنی. با این حال من که به توکیو رسیده بودم، همه اتفاقات را فراموش کردم و دیگر نمی خواستم به این فکر کنم که نیزه هم نمی توانستم دست بگیرم. حتی تمام وسایلم را جمع کرده بودم و خانه گذاشته بودم. گفتم در اولین پرتاب هر چه دارم می گذارم که اگر دستم باز هم پاره شد، بهترین عملکردم باشد و مردم هم مرا می کنند.

باورم نمی شد که رکورد پارالمپیک را زده باشم
باور کنیید وقتی پرتاب اول را انجام دادم، صدای پاره شدن دوباره عضله ام را شنیدم. وقتی نیزه در هوا بودم، من به خاطر دردی که داشتم، فریاد زدم و گفتم «ای دستم». مربی که پیش من آمده گفتم فکر می کنم کمتر از ۳۰ متر انداختم و دیگر هم نمی توانم پرتاب کنم. بعد از چند ثانیه به من گفت ۳۱،۲۷ متر پرتاب کردی و رکورد پارالمپیک را زدی!دیگر این حرف را که شنیدم، اصلا انگار نه انگار که بازویم پاره شده بود. من با همان پرتاب اول هم طلا می گرفتم، اما ادامه دادم و در پرتاب چهارم بازمه رکورد پارالمپیک را زدم و در نهایت طلا گرفتم.

رقیب آمریکایی را در اینستا بلاک کرده بودم!

پرتاب آخر را هم انجام ندادم و منتظر حریف آمریکایی بودم که پرتاب کند. او با خیلی کل کل و کری خوانی داشتم. از دو سال قبل او چند بار برای من استوری گذاشت و من هم جواب دادم. بعد از ای مدت هم همدیگر را بلاک کردیم. بعد از این ارتباط خوبی نداشتیم. وقتی مدال طلا را گردنم انداختم، شاید ۱۰ درصد خوشحال بودم، اما وقتی جلوی این آمریکایی پرچم ایران را بوسیدم، صددرصد خوشحال شدم. او بعد سوم شد و به قدرت من پی برد. سال بعد در چین می خواهم سه طلا بگیرم این پایان کار من نیست. درمان بازویم را از همین جا آغاز کردم و سال بعد در بازی های آسیایی می خواهم سه طلا ببورم. اینجا به توکیو می توانستم در رشته پرتاب وزنه هم